



زیر مجموعه : احکام

دسته : رساله عملیه

روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند و شرح آنها بعداً گفته می شود خودداری نماید.

نیت روزه

« ۴۶ » انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و همچنین جایز است که شب اول ماه، نیت روزه همه ماه را بنماید، و احتیاط به تجدید نیت در هر شب ترک نشود.

« ۴۷ » از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا را بکند، اشکال ندارد.

« ۴۸ » لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب بگذراند، یا به زبان جاری کند؛ مثلاً بگوید: «فردا را روزه می گیرم قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ»، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است. « ۴۹ » وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، و اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

« ۵۰ » کسی که پیش از اذان صبح در غیر روزه معین واجب، مثل روزه ماه مبارک رمضان، بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و در حال اختیار نیت کند، روزه او صحیح است؛ چه روزه او واجب باشد چه مستحب، و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید.

« ۵۱ » گر بخواهد غیر روزه رمضان روزه واجب دیگری بگیرد، در صورتی که آنچه بر او واجب شده است انواع متعددی باشد، بنا بر اقوی باید آن را معین نماید، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم، ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید، و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود، مگر اینکه روزه برای میت گرفته باشد که در این صورت روزه ماه رمضان حساب نمی شود، و صحیح بودن آن مورد تأمل است، مگر اینکه مقصود او به دو قسمت جداگانه تقسیم شود: یکی روزه واجب و یکی هم برای دیگری بودن روزه، که در این صورت بنا بر اظهر روزه ماه رمضان محسوب می شود.

« ۵۲ » هرگاه در ماه رمضان یا روزه واجب معین، نیت روزه را عمداً ترک نماید تا صبح داخل شود، روزه آن روزش صحیح نیست و قضا بر او واجب است، ولی وجوب کفاره محل تأمل است.

« ۵۳ » گر بداند ماه رمضان است و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می‌شود و نه روزه‌ای که قصد کرده است.

« ۵۴ » اگر مثلاً به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده، روزه او صحیح است.

« ۵۵ » سی که در سراسر روز بیهوش بوده در صورتی که روزه واجب معین باشد، روزه بر او واجب نیست، ولی اگر قبل از ظهر به هوش آید، بنابر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام کرده و قضای آن را نیز بگیرد و همین احتیاط در مورد مخالف، اگر قبل از ظهر شیعه شود نیز جاری است.

« ۵۶ » اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید فوراً نیت کند، وگرنه روزه او باطل می‌شود.

« ۵۷ » اگر بچه قبل از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، باید روزه بگیرد؛ و اگر بعد از اذان و قبل از ظهر بالغ شود، اگر چیزی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد احتیاط واجب در این است که بقیه آن روز را روزه بگیرد و بعداً قضای آن روز را نیز بگیرد، و همچنین است اگر شخصی که جنون دارد جنونش از بین برود. و این احتیاط درباره غیربالغی است که از اول صبح نیت روزه نداشته است، ولی چون روزه بچه ممیز صحیح است - اگر چه بر او واجب نیست - اگر نیت روزه داشته باشد و در بین روز بالغ شود، روزه آن روز او صحیح است و قضا ندارد.

« ۵۸ » کسی که برای به‌جا آوردن روزه میتی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد، اشکال ندارد، ولی کسی که روزه قضا دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد.

« ۵۹ » اگر در ماه رمضان، پیش از ظهر، کافر مسلمان شود، بنا بر احتیاط مستحب باید نیت روزه کند و روزه را تمام نماید.

« ۶۰ » اگر مریض در ماه رمضان، پیش از ظهر خوب شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، واجب بودن روزه و صحیح بودنش، خالی از وجه نیست.

« ۶۱ » روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد، نمی‌تواند نیت روزه رمضان کند بلکه باید نیت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود، و در صورتی که قصد کند آنچه را که فعلاً خدا از او خواسته است انجام دهد و بعد معلوم شود رمضان بوده نیز کافی است.

« ۶۲ » اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

مبطلات روزه

نُه چیز روزه را باطل می‌کند:

۱- خوردن و آشامیدن؛

۲- جماع؛

۳- استمناء (استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید)؛

۴- دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جانشینان پیغمبر و معصومین علیهم‌السلام؛

۵- رساندن غبار به حلق؛

۶- فرو بردن تمام سر در آب؛

۷- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛

۸- اماله کردن با چیزهای روان؛

۹- قی کردن.

و احکام اینها به ترتیب در مسائل بعدی ذکر می‌شود.

خوردن و آشامیدن

« ۶۳ » اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود؛ چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد، مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت؛ و چه کم باشد یا زیاد.

« ۶۴ » اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرود برد روزه‌اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفاره هم بر او واجب می‌شود.

« ۶۵ » اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

« ۶۶ » احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند، بلکه اجتناب خالی از وجه نیست؛ ولی تزریق آمپولی که عضو را بی‌حس می‌کند یا به جهت دیگر استعمال می‌شود اشکال ندارد و اجتناب از آمپولی که معلوم نیست از قسم اول باشد یا نه، لازم نیست.

« ۶۷ » اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه‌اش باطل می‌شود.

« ۶۸ » کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان‌هایش را خلال کند؛ ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود، باید خلال کند و چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر هم فرو نرود باز اخلاص به نیت کرده. ولی اگر نمی‌داند که غذا فرو خواهد رفت یا نه، مستحب است خلال کند و اگر هم اتفاقاً و سهواً فرو برد روزه باطل نیست.

« ۶۹ » جواز فرو بردن اخلاص سر و سینه در صورتی که در غیر حال روزه امری عادی باشد و به فضای دهان نرسیده باشد، خالی از وجه نیست و اگر به فضای دهان رسید و آن را فرو برد بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

« ۷۰ » اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، می‌تواند به اندازه‌ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد، ولی روزه او باطل می‌شود، اما در ماه رمضان تا مغرب از سایر مفطرات اجتناب کند.

« ۷۱ » جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی‌رسد، اگرچه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند و احتیاط مستحب است که این امور را در صورت عدم حاجت و ضرورت ترک کنند.

« ۷۲ » انسان نمی‌تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که مشقت شدیدی داشته، به طوری که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد، ولی اگر تا سال دیگر خوب شد باید قضای آن را بگیرد.

جماع

« ۷۳ » نزدیکی روزه را باطل می‌کند، اگر چه فقط به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

« ۷۴ » اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی‌شود. ولی اگر کسی که آلتش را بریده‌اند کمتر از ختنه‌گاه را داخل کند بطلان و عدم بطلان روزه‌اش، محل اشکال است.

« ۷۵ » اگر فراموش کند که روزه است و نزدیکی نماید، یا او را به نزدیکی مجبور نمایند، روزه او باطل نمی‌شود، ولی چنانچه در هنگام نزدیکی یادش بیاید، یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال نزدیکی خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.

استمناء

« ۷۶ » اگر روزه‌دار استمناء کند، یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل می‌شود .

« ۷۷ » اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل نیست، ولی اگر عمداً کاری کند که بی‌اختیار منی از او بیرون آید روزه‌اش باطل می‌شود، در صورتی که بداند یا اطمینان داشته باشد که به سبب آن کار، منی بی‌اختیار خارج خواهد شد.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

« ۷۸ » اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت علیهم‌السلام عمداً نسبت دروغ بدهد، روزه او باطل است. و خالی از وجه نیست که دروغ بستن به پیغمبران و جانشینان آنها و حضرت زهرا، ملحق به دروغ بستن به خدا باشد و روزه را باطل کند، ولی اگر شک داشته باشد که سخنی کذب است یا نه، و به یکی از آنان نسبت دهد، بنا بر اقوی روزه‌اش باطل نمی‌شود.

رساندن غبار به حلق

« ۷۹ » رساندن غبار یا دود غلیظ به حلق بنابر اظهار روزه را باطل می‌کند؛ چه غبار چیزی که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام باشد.

« ۸۰ » عدم افساد روزه به وسیله غبار یا دود غیر غلیظ و غیر جایگزین غذا و غیر مقوی خالی از وجه نیست، ولی احوط اجتناب است.

« ۸۱ » اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی‌اختیار غبار و مانند آن به حلق برسد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

فرو بردن سر در آب

« ۸۲ » اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه بقیه بدن از آب بیرون باشد، بنابر اقوی روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود. و همچنین درحالی که مانع و حائل غلیظی

دور سر را فراگرفته و یا سر به چیزی آغشته شده که مانع از رسیدن آب به آن باشد، فرو بردن تمام سر در آب، بنا بر اظهر روزه را باطل نمی‌کند.

« ۸۳ » اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد بنا بر اظهر روزه‌اش باطل نمی‌شود.

« ۸۴ » فرو بردن سر در آب مضاف، بنا بر احوط روزه را باطل می‌کند.

« ۸۵ » اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود.

« ۸۶ » اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد، یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد؛ چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است، یا آن شخص دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه‌اش باطل می‌شود.

باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح

« ۸۷ » اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، روزه‌اش باطل می‌شود. و کسی که وظیفه او تیمم است اگر عمداً تیمم ننماید، روزه‌اش باطل است و حکم قضای روزه ماه رمضان بعداً خواهد آمد.

« ۸۸ » اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است، تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید، ولی از روی عمد نباشد، مثل آنکه دیگری به اجبار نگذارد غسل و تیمم کند و ناچار شود، روزه‌اش صحیح است؛ ولی در صورت فراموش کردن، روزه ماه رمضان باطل است.

« ۸۹ » کسی که جنب است و می‌خواهد روزه واجبی بگیرد که وقت آن معین است، مثل روزه رمضان، اگر عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، باید با تیمم روزه بگیرد و روزه او بنا بر اظهر صحیح است.

« ۹۰ » کسی که در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین دیگری، برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، نباید خود را جنب کند، و همچنین است بنا بر اظهر اگر فقط برای تیمم وقت دارد، و اگر معصیت کرد و خود را جنب نمود، روزه‌اش با تیمم بنا بر اظهر صحیح است.

« ۹۱ » کسی که در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین، جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، در صورتی که در خوابیدن عسر و حرج برای او نباشد، نباید بخوابد، مگر بعد از غسل؛ و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

« ۹۲ » هرگاه جنب در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین بخوابد و بیدار شود، اگر اطمینان به بیدار شدن پیش از اذان صبح برای غسل را ندارد، باید نخوابد اگرچه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود.

« ۹۳ » کسی که در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین جنب است و می‌داند یا اطمینان دارد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند، باید روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح می‌باشد.

« ۹۴ » کسی که در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره لازم است.

« ۹۵ » اگر جنب در شب ماه رمضان یا روزه واجب معین بعد از جنب شدن خوابید و بیدار شد، در صورتی که اطمینان دارد که اگر دو مرتبه بخوابد قبل از اذان صبح بیدار می‌شود خوابیدن دفعه دوم بر او حرام نیست، ولی خلاف احتیاط است؛ و اگر دوباره خوابید و بیدار نشد، باید قضای آن را بگیرد و بنا بر احتیاط واجب کفاره هم بدهد و اگر بیدار شد باز دفعه سوم خوابید و تا اذان صبح بیدار نشد قضای آن روز را باید بگیرد و وجوب کفاره مطابق احتیاط بلکه اقوی است.

« ۹۶ » خوابی را که در آن محتلم شده خواب اول حساب نمی‌شود، بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد خواب اول حساب می‌شود.

« ۹۷ » اگر روزه‌دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

« ۹۸ » هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده، اگرچه بداند پیش از اذان بوده، روزه او صحیح است.

« ۹۹ » کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، اگرچه از روی عمد نباشد بنا بر اظهر روزه او باطل است و در صورتی که وقت گرفتن روزه قضا طوری تنگ است که اگر روزه‌اش باطل باشد دیگر فرصتی برای گرفتن روزه قضا ندارد، احتمال دارد ملحق به روزه ماه رمضان باشد.

« ۱۰۰ » اگر زن در ماه رمضان پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم نکند، روزه‌اش باطل است و وجوب کفاره خالی از وجه نیست.

« ۱۰۱ » اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض و نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است.

« ۱۰۲ » اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگرچه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

« ۱۰۳ » اگر زنی که در حال استحاضه است غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شد به جا آورد، روزه او صحیح است، و بی‌وجه نیست که صحت روزه او مشروط به انجام غسلی باشد که باید برای نماز صبح انجام دهد، ولی بنا بر اظهار غسل نمازهای مغرب و عشاء شب گذشته و شب آینده در صحیح بودن روزه او شرط نیست، و بنا بر احتیاط واجب مستحاضه متوسطه هم مثل کثیره، انجام غسلی که بر او واجب است در صحیح بودن روزه‌اش شرط است، ولی وضوی واجب بر مستحاضه قلیله، شرط صحت روزه نیست.

« ۱۰۴ » در تمام مواردی که غسل واجب است، اگر نتوانست غسل کند، وجوب تیمم خالی از وجه نیست، و بنا بر احتیاط واجب بعد از تیمم باید تا اذان صبح بیدار بماند.

إماله کردن

« ۱۰۵ » اماله کردن با چیز مایع، اگرچه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، بنا بر اظهار روزه را باطل می‌کند.

قی کردن

« ۱۰۶ » هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، اگرچه به‌واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد، ولی نباید آن را عمداً فرو ببرد.

« ۱۰۷ » اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

« ۱۰۸ » اگر یقین داشته باشد که به‌واسطه آروغ زدن، چیزی از گلو بیرون می‌آید، نباید عمداً آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

« ۱۰۹ » اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است. و در صورت فرو بردن عمدی، روزه اش باطل، و قضا و کفاره بر او واجب می شود.

« ۱۱۰ » اگر روزه دار با علم و عمد قصد انجام فعلی را بنماید که روزه را باطل می کند، روزه اش باطل است، ولی کفاره ندارد.

کفاره روزه

« ۱۱۱ » کسی که روزه ماه مبارک رمضان بر او واجب است، اگر به عمد یا شبه عمد، روزه خود را باطل کند، باید علاوه بر قضای آن، کفاره بدهد مگر در مواردی که بعداً گفته خواهد شد.

« ۱۱۲ » کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است، باید یک بنده آزاد کند، یا به دستوری که در مسئله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُد - که تقریباً ده سیر است - طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و دادن پول کافی نیست، ولی اگر فقیر را در خرید و قبول آن وکیل کند و فقیر نیز انجام دهد، کافی است.

« ۱۱۳ » کسی که می خواهد دو ماه روزه کفاره رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد، بنابراین کسی که می خواهد سی و یک روز پی در پی روزه بگیرد باید زمانی را انتخاب کند که در بین این سی و یک روز، روزی که روزه داشتن در آن حرام است، مثل عید قربان، وجود نداشته باشد، و همچنین روزی نباشد که روزه آن بر او واجب باشد، مثل اینکه نذر کرده باشد، یا ماه مبارک رمضان پیش آید.

« ۱۱۴ » اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن ذاتاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد، مثل نزدیکی با همسر در حال حیض، بنابر احتیاط کفاره جمع بر او واجب می شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام آنها یک مُد گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد؛ و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام که ممکن است باید انجام دهد.

« ۱۱۵ » اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نماید یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد، ولی اگر نذر او مطلق باشد و روزی را برای آن روزه بگیرد، مانند روزه مستحبی می تواند در آن روز چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر افطار کند و در روز دیگری برای ادای نذرش روزه بگیرد.

«۱۱۶» کسی که فضای روزه ماه رمضان گرفته است، در صورت وسعت وقت پیش از ظهر می‌تواند افطار کند و آن قضا را در وقت دیگری انجام دهد، ولی افطار بعد از ظهر حرام است، و اگر بعد از ظهر افطار کند باید کفاره بدهد و کفاره او اطعام ده فقیر و در صورت عدم توانایی سه روز روزه گرفتن است.

«۱۱۷» کسی که می‌تواند وقت را تشخیص دهد، اگر به گفته کسی که می‌گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

«۱۱۸» کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر برای فرار از کفاره به سفر برود، اگر چه پیش از ظهر باشد، کفاره از او ساقط نمی‌شود.

«۱۱۹» اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نیست.

«۱۲۰» اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال، و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست.

«۱۲۱» اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن خود که روزه‌دار است نزدیکی کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد، ولی اگر در اثناء، زن راضی شود، بنا بر احتیاط واجب مرد دو کفاره بدهد و زن یک کفاره و اگر زن به نزدیکی راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب می‌شود.

«۱۲۲» اگر زنی شوهر روزه‌دار خود را مجبور کند که نزدیکی نماید یا کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

«۱۲۳» کسی که به سبب مسافرت یا بیماری روزه نمی‌گیرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را مجبور به نزدیکی کند.

«۱۲۴» اگر کفاره واجب شود در به‌جا آوردن آن کوتاهی کرد، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام داد.

«۱۲۵» اگر کفاره واجب شود و چند سال آن را به‌جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

مواردی که فقط قضای روزه واجب است

«۱۲۶» غیر از مواردی که در مسائل گذشته بیان شد در چند صورت دیگر هم فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست:

۱. در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسائل قبلی گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بیدار نشود، ولی چنانکه گفته شد علاوه بر قضا، احتیاط واجب نیز در دادن کفاره است.
۲. کسی که می‌تواند از صبح شدن مطلع شود، بدون تحقیق، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود که صبح بوده است، ولی اگر چنین کسی تحقیق کرد و اطمینان پیدا کرد که صبح نشده، ولی بعد معلوم شد که صبح شده بود، قضا بر او واجب نیست.
۳. کسی که قادر به تحقیق است، به قول کسی که می‌گوید صبح نشده، اعتماد کند، اگرچه از حرف او اطمینان پیدا کند که شب است، و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است، و همچنین است اگر دو نفر عادل شهادت دهند صبح نشده و انسان یقین به شب بودن نداشته باشد، حتی اگر از حرف آنها اطمینان پیدا کند.
۴. این که کسی بگوید صبح شده و انسان گمان کند شوخی می‌کند یا دروغ می‌گوید و چیزی بخورد بعد معلوم شود صبح بوده است، درحالی که خودش به تنهایی می‌توانست تحقیق کند.
۵. دو نفر عادل یا شخص موثقی بگوید که مغرب شده است، و انسان از گفته آنان اطمینان پیدا کند و افطار نماید، اما بعداً بفهمد مغرب نشده بود.
۶. انسان به خاطر تاریکی افطار کند، بعد بفهمد مغرب نبوده است، ولی بنا بر احتیاط واجب نیز در این صورت باید کفاره بدهد، ولی اگر به خاطر تاریکی اطمینان داشت مغرب شده و افطار کرد، بعد معلوم شد مغرب نبوده، کفاره ندارد، بلکه بنا بر اظهر قضا هم واجب نیست.
۷. کسی که غسل جنابت را فراموش کند و روزه بگیرد، یا اینکه تمام روز را خواب باشد و نیت روزه نکرده باشد، یا روزه گرفتن را فراموش کند.
۸. شخص نابینا یا زندانی بدون سؤال و تحقیق از صبح شدن، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.
- «۱۲۷» اگر کسی عمداً قی کند روزه‌اش باطل است و قضا دارد، ولی کفاره واجب نیست و در صورت اماله کردن با چیز روان، بنا بر احتیاط واجب، کفاره لازم است.
- «۱۲۸» مضمضه کردن، یعنی آب در دهان گرداندن، برای روزه‌دار جایز است، حتی اگر برای غیر وضو، مثل خنک شدن باشد، و بهتر است در غیر وضو این کار را انجام ندهد، و مستحب است بعد از مضمضه، سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد، ولی اگر برای غیر وضوی واجب و غیر مداوا مضمضه یا استنشاق کرد، و بدون اختیار آب در حلق او فرو رفت، بنا بر احتیاط واجب باید قضای این روزه را بگیرد.

«۱۲۹» اگر روزه‌دار برای درمان غیر ضروری در بینی یا گوش دارو بریزد یا سرمه بکشد، اگر نداند که دارو به حلق می‌رسد، ولی اتفاقاً از این مجاری به حلق رسید و پائین رفت بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه را بگیرد، اما اگر بداند که به حلق می‌رسد، بنا بر اظهر روزه باطل و قضای آن واجب است.

«۱۳۰» مسواک کردن برای روزه‌دار، مانند مضمضه جایز و بلکه مستحب است، ولی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره در دهان وارد کند، نگذارد آب آن داخل حلق شود، ولی اگر آب مسواک به قدری کم باشد که در آب دهان مستهلک می‌شود، مانعی ندارد.

«۱۳۱» اگر در ماه رمضان، بعد از تحقیق یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست.

«۱۳۲» اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی‌تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می‌تواند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.

احکام روزه قضا

« ۱۳۳ » اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه های زمانی را که دیوانه بوده قضا نماید.

« ۱۳۴ » اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه های زمانی را که کافر بوده قضا نماید، ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه های زمانی را که کافر بوده باید قضا نماید.

« ۱۳۵ » روزه ای که از انسان به علت مستی فوت شده، باید قضا نماید، اگر چه چیزی را که به واسطه آن مست شده، برای معالجه خورده باشد.

« ۱۳۶ » اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان گذشته قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان بعدی مانده باشد، باید اول قضای رمضان گذشته را بگیرد.

حکام روزه مسافر

«۱۳۷» مسافر نمی‌تواند در سفر روزه بگیرد، مگر اینکه روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در این صورت روزه گرفتن صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبی را در سفر به نیت رجاء باید گرفت، مگر در مدینه مشرفه که بنا بر روایت، مسافر می‌تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگیرد.

«۱۳۸» مسافری که نماز چهار رکعتی او شکسته است، نمی‌تواند در سفر روزه بگیرد، ولی مسافری که نماز او تمام، یعنی چهار رکعتی است، باید در حال سفر هم روزه‌اش را بگیرد، و تفصیل مسائل در [نماز مسافر](#) گذشت

«۱۳۹» اگر مسافر قبل از ظهر به سفر رود روزه‌اش باطل می‌شود، چه از شب نیت مسافرت داشته باشد یا نه، ولی احتیاط مستحب این است که اگر از شب قبل تصمیم مسافرت نداشته، مسافرت نکند.

«۱۴۰» اگر مسافر بعد از ظهر از مسافرت برگردد و ظهر آن روز در جایی که نماز تمام است نباشد، روزه آن روز باطل است، ولی اگر قبل از ظهر برگردد، در صورتی که افطار نکرده باشد، روزه آن روز بر او واجب می‌شود، بنابراین باید نیت روزه بکند و روزه‌اش هم صحیح است.

«۱۴۱» اگر فراموش کند که مسافر است، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل است و در سفر روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است.

«۱۴۲» اگر مسافر نداند که روزه در سفر صحیح نیست و روزه بگیرد روزه‌اش صحیح است.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

«۱۴۳» اگر کسی مریض باشد به طوری که بداند یا گمان کند روزه گرفتن برای او ضرر دارد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد روزه‌اش صحیح نیست، و در صورت خوف ضرر در صورتی که خوف او عقلایی باشد، می‌تواند روزه‌اش را افطار کند.

«۱۴۴» کسی که به علت پیری نمی‌تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، و چنانچه تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد، اقوی وجوب قضاست، و در صورتی که نتواند تا رمضان بعد روزه را قضا کند، واجب است برای هر روز، یک مُد طعام - که تقریباً ده سیر است - از گندم یا جو و مانند اینها صدقه دهد، و همچنین کسی که توانایی قضای روزه را نداشته ولی به سبب ندانستن حکم، قضای آن را تا رمضان بعد تأخیر انداخته، باید علاوه بر قضای روزه به مقداری که گفته شد کفاره بدهد.

«۱۴۵» بر پسر یا دختری که تازه بالغ شده‌اند و قدرت بر روزه گرفتن ندارند، روزه واجب نیست و کفاره هم ندارد، ولی قضا دارد.

«۱۴۶» اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی اگر تا رمضان بعد بتواند روزه بگیرد واجب است قضای آن را بگیرد، و در صورت عدم توانایی واجب است برای هر روز یک مُد طعام از گندم و جو و مانند اینها صدقه دهد.

«۱۴۷» زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا خودش ضرر دارد، واجب است افطار نماید و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته، بعداً باید قضا نماید.

«۱۴۸» زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه باشد یا دایه او، چه با اجرت شیر بدهد یا بی‌اجرت، اگر روزه برای خودش یا بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر داد، واجب است افطار کند و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته بعد از بر طرف شدن عذر، باید قضا نماید، و اگر کسی پیدا شود که بی‌اجرت بچه را شیر دهد، یا

برای شیر دادن بچه، از پدر یا مادر بچه یا از شخص دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، واجب است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

روزه حرام – روزه مستحب

« ۱۴۹ » روزه عید فطر و قربان حرام است.

« ۱۵۰ » بنا بر احتیاط روزه مستحبی برای زن، بدون اذن شوهر صحیح نیست، چه منافات با حق شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد، و اگر شوهر به خاطر منافات با حقش، زن را از روزه ای که به نحوی بر خود واجب نموده منع کند، در صورتی که وقت روزه وسعت دارد زن نباید روزه بگیرد، ولی اگر وقت روزه تنگ شود اذن شوهر شرط نیست.

« ۱۵۱ » بنا بر احتیاط مستحب در صحیح بودن روزه مستحبی فرزند، اذن پدر و مادر شرط است، گرچه بنا بر اقوی همین که موجب ناراحتی آنها نشود و یا نهی نکرده باشند روزه اش صحیح است

« راه ثابت شدن اول ماه »

اول ماه به پنج طریق ثابت می شود :

اول : خود انسان ماه را ببیند.

دوم : عده ای که از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم، و همچنین است هر چیز که به واسطه آن یقین پیدا شود؛ و ممکن است از این قبیل باشد، هنگامی که ماه جدید به صورت طوق دار مشاهده شود، یعنی علاوه بر نیم دایره هلال که کاملاً نورانی است، نیمه دیگر آن که تاریک است همراه با هاله ای از نور کم دیده شود، که چنین حالتی می تواند نشانه این باشد که روز گذشته روز اول ماه بوده و فردا روز دوم است. همچنین اگر به دلیل دیده نشدن ماه در شب سی ام ماه گذشته بنا بر استصحاب حکم شود که آن روز، روز سی ام است، اما در شب سیزدهم ماه آینده، ماه به صورت بدر کامل دیده شود، که همین علامت، می تواند نشانه این باشد که آن شب در واقع شب چهاردهم ماه است و ماه گذشته بیست و نه روز بوده است.

سوم : دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم یا این که یکی بگوید ماه را دیدم، و دیگری بگوید سی روز قبل، ماه شعبان را دیدم، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، یا شهادتشان خلاف واقع باشد مثل این که بگویند داخل دایره ماه طرف افق بود، اول ماه ثابت نمی شود.

چهارم : سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه رمضان ثابت می شود و سی روز از اول رمضان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه شوال ثابت می شود.

پنجم : حاکم شرع حکم کند که اول ماه است بنا بر اظهر .

« ۱۵۲ » اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی شود، ولی اگر انسان از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا کند، باید به آن

عمل نماید .

« ۱۵۳ » اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد. بعد ثابت شود که شب پیش ماه را دیده اند، باید روزه آن روز را قضا نماید.

« ۱۵۴ » اگر در شهری ماه دیده شد در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان بکنند اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می شد، چه در شرق باشد یا در غرب، ولی اگر به این مطلب یقین نداشته باشند نمی توانند به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کنند .

« ۱۵۵ » اول ماه به تلگراف ثابت نمی شود، مگر این که انسان بداند تلگراف از راهی بوده که شرعاً معتبر است، مثلاً دو نفر شاهد عادل شهادت داده اند یا آنکه سبب اطمینان شود، اگر چه با ضمیمه نشانه ها و امارات دیگر باشد .

« ۱۵۶ » روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد ولی اگر تا پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند .

منبع : مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت bahjat.org